

گویی با اعضای خانواده یکی از کارکنان صنعت نفت که در عرصه های هنری و اجتماعی فعال هستند

# ذوق هنری

## زندگی شوق

مشعل | در صنعت بزرگ نفت، خانواده های بسیاری هستند که با شوق زندگی، علاوه بر فعالیت های شغلی و روزمره، فعالیت های هنری و اجتماعی و فرهنگی دارند. این بار با خانواده فرح الهی، از کارکنان مرکز انتقال نفت، همدان و هم سخن شده ایم. شیرین سموعی، همسر وی و آیین و ابتزاز دو دختر این خانواده، سخت اهل هنر و فعالیت اجتماعی و ورزشی هستند. آنها تلاش کرده اند، هم خودشان را به جایگاه اجتماعی مناسبی برسانند و هم در محیط زندگی شان افرادی زنده و مغیبه باشند و آبا و اجدادشان را در شهرک نفت رفسنجان، شهرستان رفسنجان و استان کرمان رازهای خود پنهان نکنند. گفت و گویمان با آبا و اجداد این خانواده می خوانید:



مقام آوردیم در رشته تفنگ گازی در اولین المپیاد ورزشی شهرستان رفسنجان مقام اول کسب کردیم همچنین از سوی پایگاه بسیج پهلوان به عنوان نوبر قهرمان در رشته کار با اسلحه کلاش، اول شدم. بعدها به رشته ورزشی دارت پرداختیم و با دخترم به مسابقات ملی و بین المللی در مسابقات جهانی شرکت کردم و علاوه بر آن در مسابقات جهانی هم شرکت کردم. همچنین در مسابقات جهانی شرکت کردم و در مسابقات جهانی هم شرکت کردم.

همسر تان در آموزش و ادامه فعالیت های هنری و ورزشی شما تا چه میزان همکاری داشتند؟  
بسیار ما با هم همکاری داریم که در اینجا از ایشان تشکر و قدر دانی می کنم.

زندگی با فردی که در صنعت نفت بزرگ کاری می کند، چه سختی هایی دارد؟  
زندگی را سخت نمی گیرم و سازگارم؛ چون خانواده ام در شهر رفسنجان سکونت دارند، تحمل این شرایط برایم در مقایسه با دیگر پهلوان که در این شهر غربی هستند، راحت تر است.

زندگی در شهرک چه مزایایی دارد؟  
اینجا امنیت و آرامش زیادی دارد و پهلوان براحتی باده روی و دوچرخه سواری می کنند. این شهرک از امکانات ورزشی خوبی برخوردار است. بهترین سالن تیراندازی شهر در این شهرک واقع شده و من از همه سالن های ورزشی آن، به غیر از سالن کشتی یا جودو استفاده کرده ام. تمامی ساکنان این شهرک را مثل اعضای خانواده ام می دانم و به آنها احترام می گذارم. در مدتی که کسالتی داشتم، پهلوان اینجا خیلی به من محبت کردند. امیدوارم تمام شدن کرونا، دوباره جشن ها، مراسم و کلاس های ورزشی برگزار شود.

دختران شما هم افراد موفق هستند. در این خصوص، چه حسسی دارد؟ آیا شما همسر را برایشان انتخاب کرده اید؟ همراهمی شما با آنها تا چه حد بوده است؟  
خوشحالم که می بینم آنها به اهدافی که دوست داشتند، رسیدند. پدر و مادر از روزی دهن موفقیت فرزندانشان را در دو فرقی هم نمی کنند که این موفقیت در چه زمینه ای باشد. من و پدرشان برای انتخاب راه آنها را آزاد گذاشتم تا به دنبال علاقه خودشان بروند و هیچ اجباری در کار نبوده است. در این راه ما حمایتی که از شماستان بر آمده شرایط را از نظر روحی و روانی محیط خانه و امکانات، برایشان فراهم کرده ایم و همواره مشوق آنها بوده ایم. در ادامه، موفقیت های دخترتان این خانواده در عرصه های مختلف ورزشی، هنری و... را از خودشان بخوانید.

کُل برجسته با کره ترکی و با گل سازی گل قفزی و چینی را آموختم. بعد از آن، در دوره های آموزشی اتجنر سمنای جوان، با فیلمبرداری و عکاسی آشنا شدم. بعدها به سراغ آستری و شیرینی بزی رفتم و زیر نظر داور بین المللی (مهندس نسکی ملکی)، آموزش دیدم و در همه این رشته ها، دیدم گرفتم. پایگاه بسیج منطقه، یک دوره آموزشی به دوزی و خطایی را در شهرک برگزار کرد که در این دوره هم شرکت کردم و علاوه بر آن در شجوق و مقلبه دوزی هم تا حدی بیحر درام، در مجموع می توانم بگویم بیشتر هنرهای را که پهلوان انجام می دهند، آموخته ام. علاوه بر این همه نوع آلات موسیقی در منزل داریم و به موسیقی و نواختن دف علاقه دارم و در کلاس آموزش گیتار که در شهرک برگزار شد، شرکت کردم.

در میان هنرهایی که آموختید، از کدام یک به عنوان منبع در آمد استفاده کردید؟  
در دهه ۷۰ که گل های قفزی، چینی و با فوم، طرفدار زیادی داشت، دوره آموزشی برای هنر جوان برگزار کردم و حتی در شهرک نفت رفسنجان به صورت رایگان در منزل خودم به پهلوان آموزش می دادم. کلاس آموزش شیرینی بزی را به صورت رایگان در واحد خواهران بسیج برگزار کردم و هر از گاهی بنا به درخواست پهلوان شهرک در منزلشان آموزش کلاس آستری می گذارم. قالیبافی را فقط در حد بافتن دو تابلو دندان کردم. در زمینه تبه دوزی هم مدتها آیین با فوم های مخصوص عربی، طرح های ماندالا و سنتی را روی خام پسته پارچه ای که دارای طرح و نقشی است و با نخ روی آن دوخته شوند، می کشد و من و دخترم آبتاز، آن را می دوزیم و گاه به دوستداران این هنر می فروشیم.

در حال حاضر به چه کارهایی مشغول هستید؟  
دخترم آبتاز، فروشنده ای به اسم زرین دارد که صنایع دستی با ورق طلای ۲۴ عیار شامل تابلو و زیورات در آن به فروش می رسد که با او همکاری داریم.

در مورد فعالیت های ورزشی تان توضیح بفرمایید؟  
من از کودکی که در ورزش علاقه داشتم و از زمانی که سالن شهرک شدم، به دلیل امکانات ورزشی خوبی که در آنجا وجود داشت، به صورت جدی ورزش را دنبال کردم. اولین سکونت در شهرک، به تیراندازی علاقه داشتم؛ اما سالن آموزش آن در کرمان بود که شرکت خطوط لوله و مخابرات منطقه جنوب شرقی، وسیله ای با بودجه بالا را در اختیار ما می گذاشت و برای آموزش به این شهر مراجعه می کردیم. رشته اصلی ورزشی من، تفنگ گازی است که در آن هم مقام آوردیم در مسابقاتی که از طرف شرکت نفت برگزار می شد، در بخش نسبی و قراردادی

گفت و گو را با مادر خانواده که چهراهی هنرمند و فعال هستند، آغاز می کنیم لطفا خودتان را معرفی بفرمایید.  
شیرین سموعی هستم، همسر حمیدرضا فرح الهی، کارمند از ماسنگاه کنترل کیفیت مرکز انتقال نفت رفسنجان. در سال ۱۳۴۶ متولد شدم و دبیرم تجربی دارم. اهل شهرستان رفسنجان هستم و اکنون در شهرک نفت رفسنجان سکونت دارم.

چطور با آقای فرح الهی آشنا شدید؟  
در سال ۱۳۷۴ با هم ازدواج کردیم. آن زمان ایشان، وقت و رسم مرکز انتقال نفت رفسنجان و با همسایه بودند و از همین طریق با هم آشنا شدیم که آن آشنایی منجر به ازدواج شد. نمره این ازدواج دو دختر به اسم آبتاز و آیین است و همسرم حدود یک سال دیگر بازنشسته می شوند.

از چه زمانی به هنر پرداختید و چه رشته هایی فعالیت داشتید؟  
از کودکی به هنر علاقه مند بودم. پس از ازدواج، دوره های فنی و حرفه ای قالیبافی (سبک